

مصاحبه با

ودود مؤذنزاده اردبیلی

تهیه و تنظیم: فرهاد خائف

مؤذنزاده: موسیقی آذربایجان در ایران مظلوم واقع شده است

ودود مؤذنزاده خواننده و نقاش در یک خانواده که نعمت داشتن صدای خوب در آن ارثی بوده دنیا آمد و فعالیت هنری خود را از سال 1358 آغاز کرده است. او از محضر اساتید بزرگی همچون مرحوم ملت پرست، آشتیانی، شاملو، مظهری، حیدری و آقاخان عبدالله‌اف خواننده بزرگ آذربایجان در زمینه موسیقی بهره جسته است. مؤذنزاده بخاطر علاقه شدید به موسیقی آذربایجان و ردیفهای آن از هشت سال پیش فعالیت خود را در این زمینه شروع کرده و تحقیقات گسترده‌ای در زمینه موسیقی عاشیق به انجام رسانده است.

از جمله آثار موسیقی که از این هنرمند اردبیلی به بازار عرضه شده می‌توان به یادبود استادشهریار اشاره کرد که با همکاری استاد ظهیری و استاد هاییل علی‌اف تهیه گردیده است اجرای کنسرت‌های مختلف در داخل و خارج از کشور، همکاری با صداوسیما در زمینه موسیقی، تأسیس و خوانندگی گروه‌هایی همچون «سهند» و «آراز» از دیگر تلاشهای ودود مؤذنزاده در راستای احیا و ترویج موسیقی اصیل بوده است. فرصتی پیش آمد تا گفتگویی با این هنرمند اردبیلی داشته باشیم.

آقای ودود مؤذنزاده درباره جایگاه موسیقی آذری در ایران و جایگاه ایران در موسیقی آذری می‌گوید:

به عقیده من موسیقی آذربایجان در ایران خیلی مظلوم واقع شده است. علتش هم این است که هیچوقت ما مکتب موسیقی اساتید صاحب اطلاعات علمی و گروههای موسیقی نداشتیم و در نتیجه نتوانستیم آثاری در این زمینه تولید و در اختیار مردم و جوانان قرار دهیم. موسیقی ما در محدوده مجالس عروسی محبوس شده است. موسیقی عروسی موسیقی دیگرست و هر مجلسی برای خود موسیقی خاصی دارد. گنگره کنسرت و یا موسیقی مذهبی برای خودشان جایگاه خاصی دارند با این وجود موسیقی ما در چارچوب عروسی مانده و این هنر بزرگ در ایران هیچوقت شناخته نشده است. حتی به نظر من حرکت‌های خیلی کم انجام شده در چند سال گذشته هم به هیچ وجه کافی نبوده بخصوص در منطقه اردبیل، متأسفانه باید گفت اصلاً هیچ کاری انجام نشده و به مردم شناختی داده نشده است! (...)

□ آیا این تأثیر در جهت مثبت بوده یا نه؟

این موضوع را از جهت‌های مختلف می‌توان بررسی کرد. در بعضی مواقع که یک موسیقی ناب‌مدنظر است به هر حال این تأثیرات هر چقدر کمتر باشند موسیقی مورد نظر مطلوب‌تر خواهد بود در زبان نیز اینچنین است بعنوان مثال وقتی می‌خواهیم غزلی رابه زبان آذری بنویسیم هر چه کلمات فارسی و عربی در آن کمتر باشد بمنظور خود بیشتر نزدیک شده‌ایم در موسیقی نیز دقیقاً همین‌طور است اما از نظر من هیچگونه ایرادی ندارد و باید پذیرفت که در بعضی موارد فرهنگ ایرانی تأثیرات جالبی هم گذاشته است. (...)

□ عده‌ای معتقدند در حال حاضر وجود نیم پرده در موسیقی آذربایجان شادابی وزنده بودن

آن را بیشتر از موسیقی ایرانی کرده است شما چه فکر می‌کنید؟!

در هر جامعه اقشار مختلف اعم از کودک، نوجوان، جوان، میانسال و پیر وجود دارد که سلیقه‌های اینها با یکدیگر فرق می‌کنند ولی شاد بودن موسیقی را در ملودی یعنی نوع جمله‌ای که بیان میشود و در تیم می‌توان پیدا کرد که هر دو اینها در موسیقی ما هستند.

موسیقی ایران نسبت به موسیقی ما به عارفان نزدیکتر است اما موسیقی ما حسی است و هیجان دارد و نسبت به موسیقی ایرانی زنده‌تر است البته موسیقی ایرانی را رد نمی‌کنیم آنهم برای خود جایگاهی دارد ولی این ملودیه‌ها و ریتمها موسیقی آذربایجان را شادتر و مردم‌پسنده‌تر کرده است. ضمن اینکه نمی‌توانیم این مسئله را عنوان کنیم که چون موسیقی ما شادتر است پس بهتر است!

□ در مورد تقسیم بندی موسیقی آذربایجان بیشتر توضیح بدهید؟

در آذربایجان موسیقی مقامی، عاشیق، کلاسیک، اپرا و تمام تقسیم‌بندیهایی که در سطح دنیا برای موسیقی‌های مختلف مطرح است، وجود دارد و به اندازه‌ی روی آن کار شده که در سطح جهان مطرح می‌شود البته در آنطرف فرهنگ روس روی موسیقی آذربایجان تأثیر داشته که سالها پیش حاجی بیف بزرگترین آهنگساز آذربایجان خدمت بزرگی برای این موسیقی انجام داد و بعد از اتمام تحصیلاتش در مسکو و لنینگراد دوباره به زادگاهش برگشت و به حکم دولت شروع به احیای موسیقی آذربایجان کرد. او و همکارانش همه افرادی را که با موسیقی آشنایی داشتند حتی از روستاها، جمع کردند و تمام ملودیه‌ها، آهنگها و غیره را گردآوری نمودند. حاجی بیف تمام ملودیه‌های موسیقی خالق را که از بین مردم برخاسته بودند همچون اپرای لیلی و مجنون، شاه اسماعیل، ارشین مال آلان و هر تک تک این ملودیه‌ها را جمع کرد و بصورت آکادمیک روی تمام اینها کار شد که در نهایت آثار بسیار بزرگی خلق شدند و در حال حاضر در جهان مطرح می‌باشند اما با این تفاوت در سمت ما نه تنها این کارها انجام نشده بلکه برای موسیقی ایرانی هم تلاشی صورت نگرفته است.

□ با توجه به این توضیحات، در خصوص گرایش خوانان به سوی موسیقی غربی بوژه‌استانبولی استدلال شما چیست؟

خود من هم دلم می‌خواهد در این زمینه بیشتر صحبت کنم! زیرا موضوع بسیار اساسی می‌باشد که جامعه ما به وضوح با آن درگیر است و بلکه بعنوان یک معضل برای موسیقی ما شده است. عقیده من بر این است که وقتی زمان به تندی می‌گذرد و نسل عوض می‌شود بسیار طبیعی است که تمام رفتارهای ما نیز با آن تغییر می‌یابد حتی لباس پوشیدن، غذا خوردن و صحبت کردن ما نیز باید چنین شود. زمان پیش می‌رود و این نسل هم با آن به جلو می‌رود پس انسان با زمان متحول می‌شود. دقت کنید جوانهای ما انسانهای این زمان هستند فکر و فهم اینها و تمام رفتارهایشان کاملاً با رفتایک انسان هشتادساله فرق می‌کند او مربوط به نسل گذشته هست ما نمی‌توانیم به جوانان بگوئیم تو که در این زمان زندگی می‌کنی و از نسل فعلی هستی می‌بایست تمام شئونات نسل گذشته را بپذیری و به آن عمل کنی! امکان پذیر نیست. الان عصر ارتباطات است نمی‌توان جوان را گول زد! پس باید با زمان حرکت کرد و پیش رفت. البته ما نمی‌خواهیم به خاطر بعضی نیازهای جوانان گذشته‌های خود را زیر پا بگذاریم و تاریخ پیشینیان خود را زیر سوال ببریم بلکه مامی‌خواهیم از دنیا عقب نمانیم و همانطوری که ملل مختلف پیش می‌روند ما نیز پایه‌پای آنها جلو برویم و معتقدم در موسیقی ما آنقدر قدرت هست که نه تنها از آنها عقب نماند بلکه پیشتر هم می‌تواند برود.

تا به حال بررسی نشده که چرا جوان ما به موسیقی ترکیه علاقمند شده است؟! چرا می‌خواهد به مایکل جکسون یا مادونا گوش کند؟ حتماً علتی دارد اگر بصورت فنی نگاه کنیم به رگه‌هایی می‌رسیم. نکته اینجاست که موسیقی ردیفی ما خیلی ثقیل و سنگین است و افرادی که به این نوع موسیقی گوش می‌کنند افراد خاصی هستند که اینها یا خودشان اهل موسیقی‌اند یا جزء نسل گذشته هستند که حالا به آن گوش می‌کنند و تجدید خاطرات می‌کنند یا افرادی هستند که خیلی موسیقی گوش می‌کنند و علاقمند هستند و یا افرادی می‌باشند که به شعر و ادبیات علاقه زیادی دارند. ولی این افراد چند درصد از علاقمندان موسیقی را تشکیل می‌دهند؟! باور کنید ده درصد نمی‌شوند. پس تکلیف بقیه چیست؟ با چه چیزی می‌بایست تغذیه شوند؟! مسلم است با خرید کاست، دیسک، نوار ویدئوئی و با بوسیله ماهواره خودش را اشباع خواهد کرد.

نظر ما این است که موسیقی ما همچون دریاست. بیائیم با هم ببینیم درد ما چیست؟ با تنگ نظری نگاه نکنیم و تنها یک سبک موسیقی را به مردم ارائه ندهیم. در واقع این کار اشتباهی است و بعبارت دیگر ما جوانان را با این عمل طرد می‌کنیم. وظیفه ماست که جوانان را بطریق مختلف به سمت خود جذب بکنیم و همانطور که گفتم یکسری ریتمهای مشترک، تنظیمها، بعضی شعرهای ساده و محاوره‌ای و تعدادی ربع پرده که در موسیقی فارسی، ترکیه و بصورت اساسی در عربی وجود دارد که باعث شده‌اند جوانان ما به این نوع موسیقی‌ها کشیده شوند. حال اگر

بررسی کنیم می بینیم که در موسیقی ما هم چنین مواردی هست باید آنها را بیرون بکشیم و موسیقی خودمان مزاج جوانان بکنیم منتهی بعضی افراد تنگ نظر هستند که روی اندیشه های قدیمی پافشاری می کنند و من نمی دانم با آنها چه باید کرد؟ به ارشاد نیاز دارند؟! آیا نیاز به مقابله است؟! نمی دانم؟!!

در موسیقی آذربایجان ملودیاها و تصنیفهای بسیار زیبایی وجود دارد که ما می توانیم در مواردی که گفتم تغییراتی بوجود بیاوریم و شکلش را تغییر بدهیم البته اصل مطلب همان است مثلاً در پرکاشن می آئیم یک ریتمی می گذاریم یا یکسری تنظیمها می نویسم که زهی ها در ارکستر سمفونیا بکار می روند زیرا آن ملودیاها می گذاریم. در کشور ترکیه اینکار را کرده اند و موفق هم شده اند آنها از آلت های ملی خود بصورت زیبا استفاده کرده اند مثلاً بهنگام کار یک ارکستر بزرگ دوسه تا مضراب زده می شود آنقدر کار زیبایی بیرون می آید که هم مقام بسیار بزرگی به آلت ملی داده می شود و هم اینکه آنرا از انزوا بیرون می کشند و مثل ما نوازنده های موسیقی عاشیق در عروسی و مجالس روستاها محبوس نمی شوند.

بر همین اساس ما در تهران گروهی به نام «آراز» تشکیل دادیم و موسیقی سمفونی، پاپ و آلت های ملی را به کار گرفتیم که بیش از سی نفر باسواد و لیسانس موسیقی را جمع و کنسرت های موفقی در تهران و در گراگن که کمتر کسی با زبان ما آشنا می باشد اجرا کردیم و با استقبال فوق العاده ای روبرو شد در حالیکه حرف و ملودی همان موضوع گذشته بود ولی ما آنرا امروزی تر کرده بودیم. باید توجه داشت که در این بین ممکن است افرادی باشند که بخواهند سوء استفاده بکنند و بصورت بازاری با مسئله برخورد بکنند ولی چون اول راه هست مسلماً بعضی نواقص خواهد بود.

□ آیا عدم آموزش، شناخت و هیجان در زمینه موسیقی اصیل باعث سوق دادن جوانان

به سایر موسیقیها نشده است؟

یک موضوع اساسی در موسیقی است که فرد شنونده چقدر از آن لذت می برد و با آن ارتباط برقرار کند. بعنوان مثال زمانی که شما به یک تابلوی نقاشی با ارزش نگاه می کنید تا حدودی از آن لذت می برید ولی وقتی اطلاعات کافی داشته باشید و با دید فنی نگاه کنید بیشتر از پیش لذت می برید چرا؟ چون آگاهی شما بیشتر شده است. در موسیقی نیز هر چقدر آگاهی ما زیاد باشد به همان اندازه بهره ما هم بسیار می شود و در مملکت ما بخصوص در منطقه ما متأسفانه این اطلاعات به مردم داده نشده یا خیلی کم داده شده است.

از اینهمه جوانان در استان اردبیل نظر خواهی کنید ببینید از موسیقی آذربایجان تا چه اندازه ای شناخت دارند؟!!

از موسیقی عاشیق چه می‌دانند؟! اگر توانستند حتی بعنوان نمونه نام دو موسیقی عاشیق را نام ببرند؟ البته این گناه جوان نیست؟ گناه مسئولین است. مسئولین اگر بعنوان نمونه در صدا و سیما هفته‌ای نیم ساعت برنامه‌ای بمنظور آموزش و شناخت دادن پخش می‌کردند و جوان ما از موسیقی فرهنگ خودش آگاهی می‌یافت هیچوقت به سمت موسیقی دیگر کشیده نمی‌شد.

□ به صداوسیما اشاره کردید، چندی پیش شما مسئولیت شورای شعر و موسیقی صداوسیما را مرکز اردبیل را بعهده گرفتید. در صورت امکان درباره وظایف این شورا توضیح بدهید؟

در حال حاضر من اطلاع دقیقی از شورای شعر ندارم بخصوص موسیقی، زیرا که چند ماه پیش به‌خاطر مشغله زیاد آنرا به یکی از دوستان سپردم. وظایف شورای شعر مشخص است چند نفر افراد متخصص شعر دور هم جمع شده‌اند و محتوی شعری که برای تهیه آهنگ در اختیار آنها گذاشته می‌شود را در وهله اول بررسی می‌کنند و بعد از نظر فنی مورد مطالعه قرار می‌دهند و در نهایت قبول یا رد می‌کنند و گاهی برای تصحیح برگشت می‌دهند. سپس بعد از تصویب شعر، آهنگ و ملودی برایش نوشته می‌شود و در شورای موسیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد چنانچه تأیید شد آهنگ ساخته می‌شود و دوباره به شورا بر میگردد و از نظر شعر و موسیقی بازشنوایی می‌شود که در صورت نداشتن ایرادی به پخش می‌رود.

□ در اردبیل چطور؟

در شهر ما به طرز دیگری عنوان شده است. بعبارتی بصورت مذهبی و نوحه خود را نشان داده‌است و بصورت خیلی محدود در عروسیها خود را نشان داده است. بهمین خاطر اگر بخواهیم اثری تهیه و تولید بکنیم، کنسرتی و برنامه‌ای در یک جشنواره اجرا بکنیم مستلزم اینست که در اینجا به موسیقی بصورت علمی نگاه شود و اتفاقاً وقتی که همان مسئولیت را در صداوسیما مرکز اردبیل قبول اساس حرف و شرطم این بود که در این شهر کلاسی گذاشته شود تا موسیقی به شکل علمی به کودکان و جوانان آموزش داده شود. و در آینده امیدوار خواهیم بود که حداقل چند نفر در این شهر نوازنده آشنا با نت داریم که می‌خوانند ارکستری تشکیل دهند و برنامه‌ای اجرا کنند اما موسیقی در شهر ما بصورت هوشی و حسی است و با فرم علمی متمایز می‌باشد. مثلاً وقتی اثری در اینجا تولید می‌شود در تهران توسط شورا رد می‌شود چرا؟ چون نوازنده‌ها هر کدام به میل خود نواخته‌اند! پس تا زمانیکه موسیقی از پایه آغاز نشود در این شهر مشکل موسیقی هیچوقت حل نخواهد شد و راه دومی هم برایش نیست. با ذکر این نکته که اداره ارشاد هیچ کاری در اینجا نکرده است و صداوسیما هم مسئول این قضیه نیست که کلاس موسیقی تشکیل بدهد یعنی در حدود وظایف آن نمی‌باشد. متأسفانه تا به امروز هم این کلاس تشکیل نیافته است و در این قضیه بصورت تجاری برخورد کرده‌اند و عده‌ایی را گول زده‌اند که به آنها موسیقی یاد می‌دهند اما نه تنها چیزی یاد نداده‌اند بلکه ظلم هم کرده‌اند!

□ آیا در زمان مسئولیت خود تولیدی داشتید؟

چون من ساکن تهران هستم این مسئولیت را وقتی پذیرفتم قرار بر این شد که من مدام به اینجارت و آمد کنم و در آغاز من چند کار به نام مرکز اردبیل در آنجا تولید بکنم. چون همانطوری که گفتم اکثر کارهایی که از مرکز اردبیل به تهران می‌آمد به علت ضعف اجرا و بعضی مسائل فنی ویژه‌تر می‌شدند و اگر هم خیلی با دید مثبت نگاه می‌کردند آنرا قابل پخش در منطقه می‌دانستند. که خوشبختانه چندتایی ساخته شد و پخش نیز شدند تا حداقل چند کار علمی به نام مرکز اردبیل ثبت شود.

□ بعضی وقتها آهنگهایی از صداوسیما پخش می‌شود که به نظر صاحب نظران موسیقی

به حدی کم ارزش هستند که برای وقت گذراندن هم ارزش ندارند یا کارهای کپی و

تقلیدی هستند، علتش چه می‌تواند باشد؟

این قضیه به شورای موسیقی و به تهران بر می‌گردد. همانطور که مطلع هستید هر موسیقی که از یک مرکز پخش می‌شود از تهران گرفته می‌شود. که این هم یک موضوع مهمی در شورای موسیقی شده و مسائلی هم در کنار آن ایجاد شده است. زیرا یک عده ملودیهای دزدی را به آنجا می‌برند و به اسم خودشان می‌زنند و مدعی می‌شوند که آهنگ را خودشان ساخته‌اند! چون اعضاء شورا زیاد از موسیقی ما خبر ندارند. بر همین اساس بحثهایی هم بوجود آمد که می‌خواستند شورای موسیقی را تقسیم بندی کنند و برای موسیقی‌های مختلف شوراها را مختلف و تخصصی تشکیل دهند ولی هنوز این اتفاق نیافتاده است.